

رویکرد مکاتب اقتصادی به اثرگذاری سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت و سازوکارهای آن در ایران

آرژش خمی^۱، فاطمه زندی^{۲*}، محمد خضری^۳، بیژن صفوی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

چکیده

هدف این مقاله رویکرد مکاتب اقتصادی به اثرگذاری سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت و سازوکارهای آن در ایران می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌های و نظریه‌ها و دیدگاه‌های اقتصادی در حوزه سیاست‌های مالی و شاخص فلاکت می‌باشد. نتایج نشان داد که از جمله مهمترین سازوکارهای موثر بر شاخص فلاکت میتوان به سازوکار انتقال پولی، سازوکار انتقال مالی و سازوکار اثرگذاری تولید ناخالص بر شاخص فلاکت اشاره کرد. در ادامه نیز مشخص شد که دیدگاه مکاتب اقتصادی در خصوص اثرگذاری سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت شامل مکتب کلاسیک، مکتب کنزی، مکتب پولی، مکتب کلاسیک‌های جدید، مکتب چرخه‌های حقیقی تجاری، مکتب کینزین‌های جدید و مکتب اطریش می‌شود. شرایط سیاسی و اقتصادی کشور و جو روانی حاکم بر نرخ ارز، تورم و بیکاری و در کل رشد اقتصادی، از عواملی هستند که ممکن است بر متغیرهای این پژوهش اثر گذارند، اما در پژوهش حاضر کنترل نشده‌اند.

کلمات کلیدی: مکاتب اقتصادی، سیاست‌های مالی، شاخص فلاکت، ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری علوم اقتصاد - اقتصاد اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه اقتصاد، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه اقتصاد، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. گروه اقتصاد، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: f.zandi@azad.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از چالش‌های اساسی حوزه سلامت شناسایی عوامل تعیین‌کننده مقدار منابعی است که کشور برای مراقبت‌های سلامت اختصاص می‌دهد که شاخص فلاکت یکی از این عوامل اثرگذار است. مرور مطالعات تجربی گویای این مطلب است که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده هزینه‌های سلامت، نابرابری درآمدی و نرخ تورم و شاخص فلاکت است. در بین مطالعات انجام گرفته، علاوه بر عوامل اقتصادی، شاخص‌های اجتماعی مختلفی از قبیل آموزش و شهرنشینی نیز به چشم می‌خورد که بیانگر اهمیت کیفیت زندگی اجتماعی افراد است. شاخص فلاکت یک نشانگر اقتصادی است که فرمولی بسیار ساده دارد: نرخ تورم به اضافه نرخ بیکاری. اهمیت این شاخص در این است که بر اساس اعتقادات برخی از اقتصاددانان، شاخص فلاکت دارای رابطه مستقیمی با جرم و جنایت در جامعه است و روند تغییر این شاخص با فاصله حدود یکسال در شاخص جرم و جنایت تأثیر می‌گذارد. همچنین مباحث تجربی و ملاحظات نظری در مورد نقش دولت در اقتصاد، اصلاحات اقتصادی و آزادسازی در دوران جدید، نتایج ارزشمندی را در مورد کیفیت و چگونگی دخالت دولت و سیاستگذاری اقتصادی دولت در اقتصاد و حتی جامعه پیش روی ما قرار داده است. دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا و با ثبات از جمله مسائل مهم هر کشور می‌باشد. از طرف دیگر تورم و اثرات زیانبار آن (به ویژه بر رشد اقتصادی) نیز یکی از مشکلات اساسی کشورها به حساب می‌آید. بنابراین محققان تلاش خود را بر چگونگی تبیین ارتباط بین تورم و رشد متمرکز نموده‌اند. رشد اقتصادی نشان دهنده افزایش بلندمدت ظرفیت تولید برای افزایش عرضه کل در تامین نیازهای جمعیت است. از سویی مخارج دولت با فراهم کردن زیربنای اقتصادی و اجتماعی و بهبود کارایی نیروی کار، بر رشد تولید و اقتصاد اثر مستقیم می‌گذارد. در میان مطالعات انجام شده بر تعیین‌کننده‌های نقش شاخص فلاکت بسیار اندک مورد توجه بوده است؛ به‌طوری‌که تاکنون در داخل کشور مطالعات خیلی کمی در سطح محدود در خصوص دیدگاه مکاتب اقتصادی در خصوص اثرگذاری سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت انجام نگرفته است. به

همین دلیل، مطالعه حاضر به بررسی دیدگاه مکاتب اقتصادی در خصوص اثرگذاری سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت و سازوکارهای آن در ایران پرداخته است. این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش است که چه دیدگاه‌ها و مکاتبی برای مکاتب اقتصادی در خصوص اثرگذاری سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت و سازوکارهای آن در ایران تعریف شده است؟

۲. روش‌شناسی تحقیق

روش مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع تخصصی و اقتصادی در زمینه سیاست‌های مالی و همچنین شاخص فلاکت و بررسی وضعیت‌های آن در ایران بوده است که از طریق فیش برداری و یادداشت برداری تهیه و تنظیم شده است و همچنین از مقالات، کتابها، اسناد و .. نیز بهره گرفته شده است.

۳. یافته‌ها

شاخص فلاکت^۱ یک نشانگر اقتصادی است که توسط اقتصاددان آرتور اکان تبیین شده است و از افزودن نرخ بیکاری به نرخ تورم بدست می‌آید. باور بر این است که تورم فزاینده در کنار بیکاری رو به افزایش برای یک کشور، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی در برخواهد داشت. این شاخص با شاخص مشابه دیگری که توسط روبرتو بارو ابداع شده تفاوت دارد چرا که شامل تولید ناخالص داخلی و نرخ بانکی نیست. امروزه برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان کشورها نیازمند ارزیابی سریع و دقیق تصمیم‌ها و سیاست‌های خود هستند. این سرعت و دقت به اندازه‌های اهمیت دارد که بتواند زمان لازم را برای اجرای تغییرها و تعدیل‌های احتمالی الگوها و برنامه‌ریزی‌ها فراهم آورده و از هدر رفتن منابع و فرصت‌ها جلوگیری نماید. مدت-هاست که محاسبه شاخص‌های مختلف در بخش‌های اقتصاد، آموزش، بهداشت، امور اجتماعی چنین ابزاری را فراهم کرده لیکن تهیه شاخصهای دقیق مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی است؛ چرا که این شاخص‌ها عمدتاً نیازمند آمارهای دقیق و به‌روز شده هستند و تهیه چنین آمارهایی از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است. چندی است استفاده از نماگرها از جایگاه

ندارد، دغدغه‌ی فکری کمتری داشته، احساس خوشبختی بیشتری می‌نمایند و یا وقتی قصد دارند برای سرمایه‌گذاری و بهبود زندگی خود وامی بگیرند، هر قدر مبلغ بهره‌ی بانکی وام کمتر باشد، احساس رضایت بیشتری خواهند نمود. از طرفی، زندگی در کشوری که رشد اقتصادی بالاتری نسبت به دیگر کشورها دارد، باعث افزایش درآمد و بهبود سطح رفاه اعضای آن جامعه می‌گردد (انصاری سامانی و خیل کردی، ۱۳۹۸). چنین تفکراتی موجب گردید تا اقتصاددانان به فکر ابداع شاخصی باشند که بتواند میزان خوشبختی و یا فلاکت اقتصادی جوامع را اندازه گرفته و مورد مقایسه قرار دهند. اولین اقدام در معرفی شاخص فلاکت، توسط آرتور و اوکان در دهه ۱۹۷۰ میلادی انجام پذیرفت این شاخص از حاصل جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری به دست می‌آمد. پس از آن رابرت بارو و استیو هنک نیز شاخص‌هایی را تحت همین عنوان معرفی و تهیه نمودند. بعدها هینزولش اقتصاددان آلمانی نیز شاخصی شامل سه پارامتر ارائه کرد.

۳-۱. روش‌های محاسبه شاخص فلاکت

الف) شاخص فلاکت اوکان: اولین شاخص فلاکت اقتصادی توسط آرتور در دهه ۱۹۷۰ میلادی ابداع شد که نحوه محاسبه این شاخص به صورت زیر است:

نرخ تورم + نرخ بیکاری = شاخص فلاکت اوکان

ب) شاخص فلاکت بارو: رابرت بارو اقتصاددان معروف دانشگاه هاروارد آمریکا در سال ۱۹۹۹ با اضافه کردن نرخ بهره‌ی اسمی و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، تغییراتی را در شاخص فلاکت اوکان انجام داد که منجر به ایجاد شاخص جدیدی گردید که به شاخص فلاکت بارو معروف شده است (بیجا، ۲۰۱۴).

ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. نماگرها گونه‌ای از شاخص‌ها هستند که تهیه آن‌ها سریع‌تر و راحت‌تر از خود شاخص بوده و همچنین جنبه پیشبینی را نیز در خود دارند. اگرچه شاخص‌ها به صورت یک عدد مطلق و بدون واحد هستند و بیشتر وضعیت موجود را به نمایش می‌گذارند ولی نماگرها ضمن حفظ خواص شاخص‌ها افق پیشرو را روشنتر نمایند. از دیگر نکات قابل‌توجه در نماگرها انعطاف‌پذیری آنها در خصوص ترکیب با شاخص‌های دیگر است. بسیاری از اوقات یک شاخص عددی تنها اطلاعات زیادی را منعکس نمی‌کند. ولی با ترکیب چند شاخص عددی می‌توان به یک نماگر ارزشمند که انعکاس دهنده بخش‌هایی از وضعیت جامعه است، دست یافت. شاخص فلاکت از جمله نماگرهای اقتصادی است که به وسیله اقتصاددانانی مانند رابرت بارو و آرتور اوکان در دهه ۷۰ میلادی معرفی شد. این نماگر از ترکیب دو شاخص مهم اقتصادی یعنی نرخ بیکاری و نرخ تورم به صورت یک ترکیب خطی تهیه می‌شود این شاخص با شاخص مشابه دیگری که توسط رابرت و بارو ابداع شده تفاوت دارد چرا که شامل تولید ناخالص داخلی و نرخ بانکی نیست. شاخص فلاکت هه عنوان مقیاسی برای اتلاف رفاه اقتصادی بیان می‌کند که رفاه از دست رفته با استفاده از مقادیر ذهنی و عینی تورم و بیکاری قابل محاسبه است (بیجا، ۲۰۱۴). افزایش شاخص فلاکت منجر به، کاهش رفاه اقتصادی و اجتماعی، بالا رفتن شکاف طبقاتی، بالا رفتن مشکلات روحی و روانی، بالا رفتن میزان جرم و جنایت و بدتر شدن اوضاع شهروندان می‌شود. به دنبال نظرسنجی که در مقیاس بزرگ در اروپا و ایالت متحده صورت گرفت به این نتیجه رسیدن که شاخص فلاکت تحت تأثیر ناراحتی ناشی از بیکاری است (تلا، مک‌کالاک، ۲۰۰۱). شاخص فلاکت یک نشانگر اقتصادی است که از ترکیب دو شاخص مهم اقتصادی یعنی نرخ بیکاری و نرخ تورم به دست می‌آید. مسلماً زمانی که افراد شغلی با درآمد مناسب دارند و قیمت کالاهای مصرفی آن‌ها تغییرات زیادی

1. Beja, E

2. Tella, R., MacCulloch, R

نحوه‌ی محاسبه این شاخص به صورت زیر است:

نرخ تورم + نرخ بیکاری + نرخ بهره‌ی اسمی - نرخ رشد تولید ناخالص داخلی = شاخص فلاکت بارو

عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر شاخص فلاکت افزودن (تلا، مک کالاک، ۲۰۰۱). نحوه‌ی محاسب این شاخص به صورت زیر است:

ج) شاخص فلاکت هنک: در سال ۲۰۰۰ میلادی، استیو هنک اقتصاددان آمریکایی دانشگاه جونز هاپکینز، تغییراتی را در شاخص فلاکت بارو انجام داد؛ وی با وارد کردن درصد تغییرات رشد تولید ناخالص داخلی سرانه، تغییرات جمعیتی را نیز به

نرخ تورم + نرخ بیکاری + نرخ بهره‌ی اسمی - درصد تغییرات رشد تولید ناخالص داخلی سرانه = فلاکت هنک

بهره‌ی بانکی، حالت شناور نداشته و تقریباً یک نرخ ثابت از سوی دولت اعلام می‌شود که نسبت به تغییرات تورم، هیچ تغییری نمی‌کند. چنین مسائلی باعث شده تا این شاخص در عمل، کاربرد کمتری نسبت به دیگر شاخص‌ها داشته باشد (بیجا، ۲۰۱۴). با توجه به اینکه این شاخص از سه پارامتر بیکاری، رشد اقتصادی و نرخ بهره‌ی اسمی تشکیل شده است، به اختصار آن را شاخص UGR هم می‌نامند. نحوه محاسبه این شاخص به صورت زیر است:

د) شاخص فلاکت ولش: این شاخص در سال ۲۰۰۶ میلادی، توسط هینز ولش اقتصاددان آلمانی دانشگاه اولدنبورگ ارائه شد. شاخص ابداعی این اقتصاددان، تقریباً همان شاخص بارو است با این تفاوت که نرخ تورم از فرمول مذکور حذف شده است. چرا که به اعتقاد او و بر اساس نظریه‌ی اثر فیشر، نرخ بهره‌ی اسمی همان حاصل جمع نرخ تورم و نرخ بهره‌ی واقعی است و اضافه نمودن نرخ تورم به شاخص مزبور، فقط باعث لحاظ نمودن نرخ تورم با ضریب دو برابر می‌شود. اما باید به این نکته توجه داشت که در برخی از کشورهای در حال توسعه نرخ

نرخ بیکاری + نرخ بهره‌ی اسمی - نرخ رشد تولید ناخالص داخلی = شاخص فلاکت ولش

۳-۲. عوامل مؤثر بر نرخ فلاکت

کشورها افزایش چشمگیری داشته است به طوری که در موارد زیادی منجر به تغییر ساختار مالی کشورها از ساختار بانک محور به بازار محور شده است (شهاب الدینی، ۱۳۹۱). توسعه بازار مالی از طریق اثر سطح و اثر کارایی با افزایش در سرمایه‌گذاری موجب افزایش رشد اقتصادی و کاهش شاخص فلاکت می‌شود (سادروسکی، ۲۰۱۱). اثر سطح نشان می‌دهد که توسعه بخش مالی منابع را از پروژه‌های ناکارآمد به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد هدایت می‌کند. شفافیت در مقررات بازار مالی نظیر رعایت استانداردهای حسابداری و سیستم گزارشدهی، اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد و این افزایش در اعتماد سرمایه‌گذاران در جذب سرمایه‌گذاران بسیار مهم است. اثر کارایی نیز نشان می‌دهد که با توسعه بازار مالی تنوع و نقدینگی افزایش می‌یابد و منابع به سمت پروژه‌هایی با بازدهی بالا هدایت می‌شوند. این دو اثر موجب افزایش در سرمایه‌گذاری، بهبود کسب و کار و رشد اقتصادی می‌شود. بازار سهام نیز به دلیل این که برای بنگاه‌ها یک منبع خارجی اضافی

بانک و بازار سرمایه دو نهاد اصلی تأمین مالی در هر اقتصاد می‌باشند. از این رو، اقتصادها را بر حسب آن که سهم مسلط در تأمین مالی آن بر عهده کدام یک از این دو نهاد باشد، اصطلاحاً بانک‌محور یا بازارمحور می‌نامند. در ادبیات اقتصاد مالی دیدگاه‌های متفاوتی در مورد نقش ساختار مالی در اقتصاد وجود دارد. به عقیده برخی از اقتصاددانان سیستم بانک محور نسبت به سیستم بازار محور منجر به عملکرد بهتری در اقتصاد می‌شود؛ اما برخی دیگر سیستم بازار محور را بهتر می‌دانند. گروه دیگر با رد تمایز بین عملکرد اقتصادی این دو سیستم عقیده دارند آن چه که مهم است توسعه مالی و خدمات ارائه شده توسط سیستم مالی است (بهشتی و محمد زاده، ۱۳۹۷). از نظر تجربی هم این موضوع به عوامل متعددی از جمله نوع سیستم حقوقی، سطح توسعه مالی و سطح توسعه یافتگی کشورها بستگی دارد. علاوه بر آن در طول زمان و با افزایش سطح توسعه یافتگی، سهم بازار سهام در تأمین مالی بسیاری از

برای تأمین مالی را فراهم می‌سازد همواره جذاب می‌باشد. توسعه بازار سهام مقدار بودجه در دسترس را برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری افزایش می‌دهد. همچنین بازار سهام به دلیل در دسترس قرار دادن سرمایه برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری و همچنین افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و کاهش شاخص فلاکت می‌شود (زروکی و یوسفی بارفروشی، ۱۳۹۹).

۳-۳. سازوکار عوامل مؤثر بر شاخص فلاکت

در این قسمت به بررسی چگونگی اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی هر شاخص فلاکت می‌پردازیم و از آنجا که این شاخص از جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری حاصل می‌شود لذا ما در ابتدا اثر این سیاست‌ها را بر تورم و بیکاری مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان اثر همین سیاست‌ها را بر شاخص فلاکت مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. ۱. سازوکار انتقال پولی: مکانیزم انتقال پولی یکی از حوزه‌های اقتصاد پولی است که به دو دلیل اهمیت مطالعاتی فراوانی دارد. اول اینکه، ارزیابی نوع و نحوه اعمال سیاست مستلزم این است که چگونگی اثرگذاری سیاست پولی بر اقتصاد را بدانیم. حتی اگر ابزارهای اندکی جهت اعمال سیاست پولی در اختیار بانک مرکزی باشد، چون این سیاست بر بازارهای مالی مانند بازار سهام و اوراق قرضه اثرگذار است به همین دلیل منشأ اثر واقع می‌شود. دوم اینکه جهت انتخاب نوع و اندازه ابزار سیاست پولی، سیاست‌گذارهای ارزیابی دقیقی از زمانبندی و آثار سیاست‌های اعمالی داشته باشد (زروکی و یوسفی بارفروشی، ۱۳۹۹). تورم و بیکاری یکی از مهمترین متغیرهای کلان می‌باشند که طی سال‌های اخیر در کشور روند افزایشی را دنبال کرده‌اند و سیاست‌های پولی از ابزارهای مهم در دست بانک مرکزی برای کاهش این متغیرها به شمار می‌رود و با روشن شدن ارتباط این متغیرها با سیاست پولی می‌توان ارتباط شاخص فلاکت را با سیاست‌های پولی مشخص کرد و در f برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مورد توجه قرار داد، لذا در این قسمت ما یک سیاست پولی انبساطی و نحوه اثرگذاری آن بر شاخص فلاکت را مورد بررسی قرار می‌دهیم. اولین کانالی که مطرح می‌شود کانال نرخ بهره است که با اعمال سیاست پولی انبساطی (افزایش حجم پول) نرخ بهره در اقتصاد کاهش می‌یابد. با کاهش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری و

تولید افزایش می‌یابند در نتیجه تورم و بیکاری کاهش می‌یابند. بنابراین اعمال سیاست پولی انبساطی از کانال نرخ بهره منجر به کاهش شاخص فلاکت می‌شود زیرا تورم و بیکاری که اجزای تشکیل دهنده شاخص فلاکت هستند کاهش می‌یابند (هاتفی مجومرد و همکاران، ۱۳۹۸). دومین کانال، کانال نرخ ارز است که با افزایش حجم پول نرخ بهره کاهش می‌یابد در نتیجه سپرده‌گذاری در اقتصاد بر حسب پول داخلی کاهش می‌یابد که این امر تنزل ارزش پول ملی را به همراه دارد و نرخ ارز افزایش می‌یابد که افزایش نرخ ارز اثرات مستقیم و غیرمستقیم دارد:

اثر مستقیم: با افزایش نرخ ارز قیمت نهاده‌های وارداتی افزایش می‌یابد که این امر هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد و موجب افزایش قیمت مصرف‌کننده می‌شود. همچنین افزایش نرخ ارز سبب افزایش قیمت کالاهای نهایی وارداتی می‌شود که این امر نیز موجب افزایش قیمت مصرف‌کننده می‌شود.

اثر غیرمستقیم: افزایش نرخ ارز سبب افزایش صادرات و افزایش قیمت کالاهای صادراتی می‌شود در نتیجه تولید افزایش می‌یابد و تقاضا برای نیروی کار نیز افزایش می‌یابد. همچنین افزایش نرخ ارز سبب کاهش عرضه محصول در داخل کشور می‌شود که این امر افزایش تقاضا برای کالاهای جانشین در داخل کشور را به همراه دارد و افزایش تقاضا منجر به افزایش قیمت این کالاهای می‌شود، لذا تولید این کالاهای افزایش می‌یابد و تقاضا برای نیروی کار نیز افزایش یافته و بیکاری کاهش می‌یابد (بوجانیچ، کالینز، ۲۰۱۹). در نتیجه اعمال سیاست پولی از کانال نرخ ارز افزایش و یا کاهش شاخص فلاکت را به همراه دارد زیرا در شاخص فلاکت که جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری است دو نیروی مخالف اثرگذار هستند، برای اینکه ببینیم شاخص فلاکت افزایش می‌یابد و یا کاهش می‌یابد باید ببینیم اثر افزایش نرخ ارز بر کاهش بیکاری بیشتر است یا افزایش تورم اگر با افزایش نرخ ارز کاهش در بیکاری بیشتر از افزایش در تورم باشد شاخص فلاکت کاهش می‌یابد و برعکس.

کانال سوم، کانال

قیمت سایر دارایی‌ها است. براساس این نظریه با افزایش حجم پول تعادل سید دارایی بازیگران اقتصادی بهم می‌خورد، حجم پول زیاد می‌شود اما سایر دارایی‌ها مانند سهام که در سید دارایی وجود دارد تغییری نمی‌کند. در نتیجه برای رسیدن به تعادل عرضه سهام کاهش یافته که این امر افزایش قیمت

فلاکت می‌شود (ماسیکو، ۲۰۲۰). بنابراین در اثرگذاری سیاست‌های پولی از کانال‌های مختلف در صورت وجود زیرساخت‌های مناسب و وجود ظرفیت تولیدی در کشور و در شرایط عدم اشتغال کامل اجرای این سیاست می‌تواند کاهش تورم و بیکاری را به همراه داشته باشد و در غیر این صورت متناسب با پوا اضافی قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند که به معنای بدتر شدن شاخص فلاکت می‌باشد.

۲. سازوکار انتقال مالی: یکی از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه کم بودن سرمایه بخش خصوصی، به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و ساختار آن‌ها می‌باشد. در نتیجه دولت وظیفه افزایش نرخ سرمایه‌گذاری‌های خالص در اقتصاد را بر عهده دارد؛ اما به علت کم بودن منابع سرمایه‌ای جهت سرمایه‌گذاری، دولت مجبور به توسل به سیاست کسری بودجه (فزونی گرفتن مخارج دولت نسبت به درآمد‌های دولت) می‌باشد. این سیاست می‌تواند تنگناهای اقتصادی و کمبودهای زیربنایی را تا حدودی مرتفع سازد و افزایش بهره‌وری و بازدهی تولید را به همراه داشته باشد. همچنین این سیاست در زمان بحران بزرگ و به منظور افزایش تقاضا و اشتغال توسط کینز معرفی شد و در کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کمبود عرضه کل از این سیاست استفاده می‌شود (حسینی نسب و رضا قلی زاده، ۱۳۹۸). در ادبیات اقتصادی در خصوص اثرگذاری کسری بودجه بر متغیرهای اقتصادی جواب کلی و دقیقی وجود ندارد؛ زیرا اثرگذاری این سیاست به نحوه به وجود آمدن آن، نحوه تأمین مالی آن و شرایط اقتصادی بستگی دارد بنابراین در این بخش، ما به بررسی چگونگی اثرگذاری سیاست مالی انبساطی (افزایش مخارج دولت) بر تورم و بیکاری می‌پردازیم و در نهایت اثر همین سیاست را بر شاخص فلاکت مورد بررسی قرار می‌دهیم. اعمال سیاست مالی انبساطی اگر به صورت افزایش مخارج جاری باشد به علت بالا بردن تقاضای کل می‌توان افزایش در سطح قیمت‌ها را به دنبال داشته باشد. اما اگر دولت یک سیاست مالی فعال جهت رهایی اقتصاد از رکود به اجرا درآورد و مخارج سرمایه‌گذاری خود را افزایش دهد آثار اقتصادی این سیاست در بلند مدت، هدایت اقتصاد به سمت اشتغال کامل می‌باشد. نحوه تأمین مالی مخارج دولت، از جمله عواملی است که در بررسی آثار این سیاست مورد توجه قرار می‌گیرد.

سهام را به دنبال دارد. با افزایش قیمت سهام میل به سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد در نتیجه تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد و با افزایش تولید، تورم کاهش می‌یابد. از سوی دیگر براساس کانال اثر ثروت بر مصرف، با افزایش حجم پول و افزایش قیمت سهام ثروت خانوارها افزایش می‌یابد لذا مصرف افزایش می‌یابد و تقاضا بالا می‌رود. با افزایش تقاضای کل در صورتیکه تابع عرضه کل کاملاً کشش‌پذیر باشد و در وضعیت عدم اشتغال کامل قرار داشته باشیم، افزایش تقاضای کل بدون کمترین تغییری در سطح قیمت‌ها، تولید و اشتغال را افزایش می‌دهد اما اگر تابع عرضه کل کاملاً کشش‌پذیر نباشد و حالت صعودی داشته باشد در اینصورت با افزایش تقاضای کل تولید، اشتغال و تورم افزایش می‌یابند. در نتیجه براساس کانال قیمت سایر دارایی‌ها اعمال سیاست پولی انبساطی کاهش شاخص فلاکت را به همراه دارد به این دلیل که نرخ تورم و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. اما براساس کانال اثر ثروت بر مصرف شاخص فلاکت می‌تواند افزایش و یا کاهش یابد که این امر به شرایط تابع عرضه کل و وضعیت اشتغال بستگی دارد و در صورت کشش‌پذیری کامل عرضه کل و عدم اشتغال کامل شاخص فلاکت کاهش می‌یابد (عزت، ۲۰۲۰).

کانال چهارم، کانال وام‌دهی است. در این کانال اگر اتخاذ سیاست پولی انبساطی منجر به افزایش نرخ بهره شود، این امر افزایش پس‌انداز و افزایش منابع مالی هانکها را به همراه دارد در نتیجه تسهیلات جهت سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و با افزایش سرمایه‌گذاری تقاضای نیروی کار افزایش یافته و بیکاری کاهش می‌یابد و از طرف دیگر با افزایش تولید، تورم کاهش می‌یابد. در نتیجه براساس کانال وام‌دهی، اعمال سیاست پولی انبساطی منجر به کاهش شاخص فلاکت می‌شود. کانال بعدی کانال هزینه است که این کانال از سمت عرضه اقتصاد عمل می‌کند. بنگاه‌های اقتصادی برای تولید محصول مجبور به استخدام عوامل تولید و خرید مواد اولیه هستند و این هزینه‌ها قبل از فروش محصول می‌باشد در نتیجه آنها از بانک‌ها وام می‌گیرند و اگر سیاست پولی انبساطی منجر به کاهش نرخ بهره شود در نتیجه هزینه سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و به تبع آن بهای تمام شده محصولات کاهش می‌یابد و قیمت مصرف‌کننده کاهش می‌یابد. در نتیجه براساس کانال هزینه، اعمال سیاست پولی انبساطی منجر به کاهش شاخص

۳-۴. دیدگاه مکاتب اقتصادی در خصوص

اثرگذاری سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت

در این قسمت دیدگاه مکاتب مختلف را در خصوص اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی هر شاخص فلاکت مورد توجه قرار می‌دهیم، اما از آنجا که شاخص فلاکت جمع نرخ تورم و نرخ بیکاری است لذا در ابتدا دیدگاه مکاتب مختلف اقتصادی را در خصوص اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی بر تورم و بیکاری مورد بررسی قرار می‌دهیم که هر یک از مکاتب اقتصادی نظرات متفاوتی در این خصوص دارند که این نظرات طیف وسیعی از تاثیرگذاری کامل سیاستها تا تاثیرناگذاری آنها را شامل می‌شود و در پایان اثر همین سیاستها را هر شاخص فلاکت مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱. مکتب کلاسیک: مکتب کلاسیکها با اعتقاد به مکانیسم بازار و انعطاف‌پذیری کامل دستمزدها و قیمت‌ها معتقدند که در صورت عدم دخالت دولت در امور اقتصادی، تعادل اقتصادی جامعه در حد اشتغال کامل حاصل می‌شود، لذا دخالت دولت از طرف کلاسیکها به شدت منع می‌شود و فعالیت دولت به حداقل ممکن محدود می‌شود. همچنین از دیدگاه این مکتب سیاست پولی نیز بر اشتغال اثری ندارد و تنها اثر تورمی دارد. مدل کلاسیکی شامل دو بخش پولی و واقعی می‌باشد که این بخش‌ها از یک یگر جدا بوده و هر بخش جداگانه به تعادل می‌رسند و بخش پولی ارتباطی با بخش واقعی ندارد و با تئوری مقداری پول توضیح داده می‌شود. برطبق نظریه مقداری پول که در آن M حجم پول، V سرعت گردش پول، P سطح عمومی قیمت‌ها و Y سطح محصول تولید شده در اقتصاد می‌باشد با فرض ثابت بودن سرعت گردش پول و تولید، هرگاه حجم پول در اقتصاد افزایش یابد، سطح عمومی قیمت‌ها نیز به همان اندازه بالا می‌رود (شقافی شهری و وفاداری، ۱۳۹۶).

$$MV = PY$$

به همین دلیل پول در مکتب کلاسیکها خنثی است و تاثیرات خود را در بخش اسمی اقتصاد تخلیه می‌کند و تاثیری بر متغیرهای بخش حقیقی اقتصاد ندارد (تشکینی و شفیعی، ۱۳۸۴). همچنین این مکتب نقشی برای دولت قائل نیست لذا سیاست‌های مالی را مؤثر نمی‌داند. بنابراین از دیدگاهها

روش‌های متداول دولت جهت تأمین مخارج و منابع در دسترس آن شامل موارد استقراض از نظام بانکی، استقراض داخلی و استقراض از منابع خارجی می‌باشد. اگر سیاست مالی انبساطی (افزایش مخارج دولت) از طریق استقراض از نظام بانکی تأمین مالی شود، این امر افزایش در حجم پول و به دنبال آن افزایش در تقاضای کل را به همراه دارد و در صورتیکه تابع عرضه کل کاملاً کشش‌پذیر باشد و در وضعیت عدم اشتغال کامل قرار داشته باشیم، افزایش تقاضای کل بدون کمترین تغییری در سطح قیمت‌ها، تولید و اشتغال را افزایش می‌دهد و کارایی سیاست در حداکثر میزان خود قرار می‌گیرد. اما اگر تابع عرضه کل کاملاً کشش‌پذیر نباشد و حالت صعودی داشته باشد در اینصورت با افزایش تقاضای کل تولید، اشتغال و تورم افزایش می‌یابد. بنابراین تأمین مالی مخارج دولت از کانال استقراض از نظام بانکی اثرات متفاوتی بر شاخص فلاکت دارد که این امر بر شرایط تابع عرضه کل و وضعیت اشتغال بستگی دارد و در صورت کشش‌پذیری کامل عرضه کل و عدم اشتغال کامل شاخص فلاکت کاهش می‌یابد (یان، ۲۰۱۹). اگر دولت جهت تأمین مخارج خود اقدام به انتشار اوراق قرضه کند این امر به معنای افزایش تقاضای دولت برای اعتبار قابل دسترس در جامعه است که باعث افزایش نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود که این امر کاهش در تولید، افزایش در بیکاری و تورم را به همراه دارد. بنابراین اگر دولت برای تأمین مخارج خود اقدام به انتشار اوراق قرضه کند این امر افزایش در شاخص فلاکت را به همراه دارد. اما اگر افزایش مخارج دولت، افزایش در مخارج سرمایه‌گذاری را به همراه داشته باشد، منجر به کاهش تورم و بیکاری و شاخص فلاکت می‌شود. البته این شیوه تأمین مالی مخارج بیشتر در کشورهایی اتفاق می‌افتد که بازار اوراق قرضه پیشرفته دارند (زو، ۲۰۲۰).

۳. سازوکار اثرگذاری تولید ناخالص بر شاخص فلاکت: افزایش در تولید ناخالص داخلی با فرض ثبات سایر شرایط منجر به عرضه بیشتر محصول و کاهش قیمت‌ها می‌شود. همچنین در صورتیکه افزایش در تولید، افزایش در تقاضای نیروی کار را به همراه داشته باشد منجر به کاهش بیکاری می‌شود. بنابراین افزایش در تولید ناخالص داخلی منجر به کاهش شاخص فلاکت می‌شود (محمد زاده و یحیوی دیزج، ۱۳۹۶).

کلاسیک‌ها سیاست پولی بر شاخص فلاکت مؤثر است اما سیاست‌ها مالب بر شاخص فلاکت بی‌اثر است.

۲. مکتب کنزی: این مکتب به بررسی اقتصاد در کوتاه مدت می‌پردازد و طبق نظریات آن‌ها با سیاست مالی می‌توان سطح بیکاری و قیمت‌ها را کنترل کرد و دخالت دولت جهت برقراری تعادل را مؤثر مبدانند. همچنین این مکتب مخالفتی نسبت به اثرگذاری به اثرگذاری سیاست‌های پولی هر بخش حقیقی اقتصاد ندارد، اما چون مکانیزم انتقال اثرگذاری پول بر تولید و اشتغال از طریق کانال نرخ بهره تعیین می‌شود و از نظر کینزی‌ها در این کانال اثرگذاری موانعی در بازار پول و سرمایه‌گذاری وجود دارد (مانند کشش‌ناپذیری سرمایه‌گذاری و دام نقدینگی) لذا این مکتب برای پول نقش قابل توجهی قائل نیست و طبق نظر آن‌ها بیکاری که در اقتصاد وجود دارد بیکاری غیرارادی است (تشکینی و شفیی، ۱۳۸۴). بنابراین از دیدگاه کینزین‌ها سیاست‌های پولی و مالی هر شاخص فلاکت مؤثر می‌باشند اما سیاست‌های مالی نقش قابل توجهی دارند (سهیلی و فتاحی و سرخوندی، ۱۳۹۳).

۳. مکتب پولی: پولیون با تاکید بر نقش پول در اقتصاد و شکل‌گیری انتظارات به صورت تطبیقی معتقدند سیاست‌های مالی بر بیکاری و تورم اثری ندارند. فریدمن معتقد است، سیاست مالی به معنای حضور دولت در اقتصاد است و اگر دولت در اقتصاد ورود کند، جایگزین بخش خصوصی می‌شود (اثر crowding out) و می‌گوید براین اساس چیز جدیدی به وجود نمی‌آید و فقط دولت جایگزین بخش خصوصی می‌شود، پس سیاست مالی بی‌تأثیر است. همچنین سیاست پولی تنها در کوتاه مدت بر بیکاری اثرگذار است و در بلند مدت و میان مدت سیاست پولی تنها اثر تورمی دارد و بر بیکاری بی‌تأثیر است. در تئوری جدید مقداری پول تاکید فریدمن بر پول باعث شد که پولیون تورم را یک پدیده پولی بدانند. از نظر فریدمن تورم زمانی به وجود می‌آید که سیاست پولی به صورت نامناسب بکار گرفته شود و سبب شود اقتصاد فراتر از نرخ طبیعی بیکاری‌اش حرکت کند (تشکینی و شفیی، ۱۳۸۴). بنابراین از دیدگاه پولیون سیاست‌های پولی بر شاخص فلاکت اثرگذار هستند و سیاست‌های مالی تأثیری بر شاخص فلاکت ندارند.

۴. مکتب کلاسیک‌های جدید: کلاسیک‌های جدید با اعتقاد به شکل‌گیری انتظارات به صورت عقلایی و انعطاف‌پذیری دستمزدها و قیمت‌ها معتقدند، سیاست‌های مالی بر بیکاری اثری ندارند اما اگر دولت بتواند در کوتاه مدت یک سیاست پولی پیش‌بینی نشده ایجاد کند می‌تواند فعال و اثرگذار باشد و سیاست‌های پولی نه تنها در بلند مدت بلکه در کوتاه مدت نیز بر بیکاری اثری ندارند و تنها سیاست‌های پولی پیش‌بینی نشده در کوتاه مدت بر بیکاری مؤثر می‌باشند و در بلند مدت خنثی هستند. همچنین سیاست پولی پیش‌بینی شده تنها سطح قیمت‌ها را بالا می‌برد (تشکینی و شفیی، ۱۳۸۴). بنابراین از دیدگاه کلاسیک‌های جدید سیاست‌های پولی بر شاخص فلاکت مؤثر می‌باشند اما سیاست‌های مالی تأثیری بر شاخص فلاکت ندارند.

۵. مکتب چرخه‌های حقیقی تجاری: این مکتب اولین با تئورسط کیدلند و پرسکات^۱ در سال ۱۹۸۲ مطرح شد که آن را نسخه دوم اقتصاد کلاسیک هم می‌دانند. اساس بحث آن‌ها این است که شوک‌های سمت عرضه مهم هستند، نه شوک‌های سمت تقاضا. آن‌ها معتقدند که متغیرهای اسمی نمی‌توانند بر متغیرهای حقیقی اثرگذار باشند، پول را منفعل می‌دانند و به همین دلیل مکانیزم انتقال پولی را فاقد ارزش مطالعاتی می‌دانند و معتقدند نوسانات در عوامل حقیقی فقط به وسیله تغییرات واقعی در اقتصاد توضیح داده می‌شوند. همچنین از نظر آن‌ها سیاست‌های مالی سیاست‌های مهمی هستند زیرا می‌توانند منجر به افزایش تولید و اشتغال و کاهش بیکاری شوند. بنابراین از دیدگاه این مکتب سیاست‌های پولی تأثیری بر شاخص فلاکت ندارند و فقط سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت اثرگذار هستند (مداح، ۱۳۹۰).

۶. مکتب کینزین‌های جدید: این مکتب به رغم اعتقاد به شکل‌گیری انتظارات به صورت عقلایی، اعتقاد به اثرگذاری سیاست‌های پولی دارد و وجود چسبندگی دستمزد و قیمت را علت اثرگذاری سیاست‌های پولی بر بخش حقیقی اقتصاد می‌داند و در شرایط عادی سیاست پولی را ابزار قویتری نسبت به سیاست مالی برای تثبیت اقتصاد می‌داند و تنها محدود کردن قدرت اتحادیه‌ها و تصحیح در اطلاعات بازار کار توسط دولت را

۴. نتیجه‌گیری

غالباً در پژوهش‌های اقتصادی بدلیل تنگناهای موجود از اقدام به طراحی و ساخت یک مدل جدید امتناع می‌شود. بنابراین استفاده از مدل‌های شناخته‌شده و توسعه آن با توجه به شرایط و محدودیت‌های هر سیستم اقتصادی یا مالی به عنوان بهترین گزینه‌های پیش روی محققین تلقی می‌گردد با این حال نباید از باز شناساندن الگوی مورد استفاده در پژوهش به دیگران غفلت نمود. چراکه هر الگویی علاوه بر امتیازات، ضعف‌هایی نیز دارد که حتماً باید در استنتاج نهایی از آزمون لحاظ گردد. با توجه به این مسئله، در این مقاله، تلاش شد بنحوی شفاف به مکاتب اقتصادی و رویکردهای نظری به آن پرداخته شده و کلیه جوانب (مثبت و منفی) آن‌ها بیان گردد. از جمله مهمترین سازوکارهای موثر بر شاخص فلاکت میتوان به سازوکار انتقال پولی، سازوکار انتقال مالی و سازوکار اثرگذاری تولید ناخالص بر شاخص فلاکت اشاره کرد. در ادامه نیز مشخص شد که دیدگاه مکاتب اقتصادی در خصوص اثرگذاری سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت شامل مکتب کلاسیک، مکتب کنزی، مکتب پولی، مکتب کلاسیک‌های جدید، مکتب چرخه‌های حقیقی تجاری، مکتب کینزین‌های جدید و مکتب اطریش می‌شود. باتوجه به ماهیت متغیرهای تحقیق قابل ذکر است که باتوجه به فرایند رشد اقتصادی و شاخص سلامت، دولت به عنوان بزرگترین نهاد اقتصادی فعال با جهت دادن به هزینه‌های بهداشتی که نوعی سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی به شمار می‌رود، زمینه را برای افزایش مشارکت اقتصادی و تسریع فرایند رشد اقتصادی فراهم نماید. همچنین دولت می‌تواند با شفاف سازی محیط اقتصادی زمینه‌ی فعالیت بخش خصوصی در بخش بهداشت و سلامت را فراهم نماید. تسهیل فرایند سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت، به رشد این بخش و پیرو آن افزایش رشد اقتصادی کمک موثری خواهد کرد. همچنین اینکه در ارتباط با بحث شاخص فلاکت نیز قابل ذکر است که افزایش در نقدینگی سبب افزایش در شاخص فلاکت می‌شود که دلیل آن چاپ پول بدون پشتوانه‌ات که به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب و ظرفیت تولیدی در کشور افزایش در شاخص فلاکت را به همراه دارد. همچنین مخارج دولت اثر مثبت و معنادار بر شاخص فلاکت دارد به این نحو که افزایش در مخارج دولت سبب افزایش در شاخص فلاکت می‌شود که

موثر می‌داند (تشکینی و شفیعی، ۱۳۸۴). بنابراین از دیدگاه کینزین‌های جدید سیاست‌های پولی اثرگذاری بیشتری نسبت به سیاست‌های مالی بر شاخص فلاکت دارند.

۷. مکتب اطریش: این مکتب به شدت مخالف دخالت دولت در اقتصاد است، پول را متغیری درون‌زا نسبت به تولید و نه اثرگذار بر آن در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر این مکتب افزایش حجم پول را نه اثرگذار هر تولید، بلکه پاسخی به تولید افزایش یافته و نیاز به پول بیشتر در افراد و سرمایه‌گذاران در نظر می‌گیرد و اعمال سیاست‌های پولی را راه حلی جهت افزایش سطح تولید و کاهش بیکاری در نظر نمی‌گیرد (تشکینی و شفیعی، ۱۳۸۴). بنابراین از دیدگاه این مکتب سیاست‌های پولی و مالی اثری بر شاخص فلاکت ندارند.

۳-۵. شاخص فلاکت در ایران

بر اساس آمار مربوط به نرخ تورم و بیکاری، نرخ شاخص فلاکت اقتصادی کشور در سال ۱۳۷۵ معادل ۳۲/۳ درصد بوده که با توجه به کاهش نرخ تورم در سال ۱۳۷۶، مقدار این شاخص به ۳۰/۴ درصد در سال ۷۶ رسیده است. پس از آن تا سال ۱۳۷۸ با توجه به افزایش نرخ تورم و نرخ بیکاری، نرخ شاخص فلاکت نیز افزایش یافته و به ۳۳/۶ درصد رسیده است. پس از آن تا سال ۱۳۸۴، به استثنای سال ۱۳۸۱، این شاخص روند نزولی به خود گرفته و به ۲۱/۹ درصد رسیده است. اما از سال ۱۳۸۵ با توجه به اجرای سیاست‌های انبساطی دولت نهم و به دنبال آن افزایش نرخ تورم، نرخ شاخص فلاکت دوباره افزایش یافته و به رقم ۳۵/۸ درصد در سال ۱۳۸۷ رسید که در سال‌های قبل بی سابقه بود. در سال ۱۳۸۸ با توجه به تغییر سیاست‌های انبساطی مالی دولت به سیاست‌های انقباضی برای زمینه سازی اجرای قانون هدفمندی و با توجه به کاهش نرخ تورم، نرخ شاخص فلاکت به ۲۲/۷ درصد کاهش پیدا کرد که البته بهبود فضای رکودی را به دنبال نداشته است زیرا نرخ بیکاری در این سال در مقایسه با سال ۸۶ نه تنها کاهش نداشته بلکه ۱/۴ درصد افزایش پیدا کرده است. این رقم مجدداً از سال ۱۳۸۹ سیر صعودی یافته و در سال ۱۳۹۲ به بالاترین حد خود یعنی ۴۵/۱ درصد رسید. از سال ۹۳ با توجه به کاهش نرخ تورم، نرخ فلاکت روند نزولی پیدا کرد (محنت فر، ۱۳۹۲)

در صورتی که قلمرو زمانی پژوهش، برای دوره طولانی تر در نظر گرفته می شود، ممکن بود نتایج، قابلیت تعمیم بیشتری داشته باشد. لیکن در صورتی که سال های بیشتری برای گزینش نمونه در نظر گرفته می شود، دقت کار و همچنین قدرت پیش بینی مدل افزایش می یافت که این امر، موجب کاهش روایی پژوهش می گردید و امکان بررسی رابطه مذکور را دچار محدودیت می ساخت.

مراجع

انصاری سامانی، حبیب؛ و ربابه، خیل کردی، (۱۳۹۸). نرخ بیکاری و نابرابری درآمد (مورد مطالعه: استان های ایران). فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۲۴ (۸۱): ۱۸۶-۱۵۷.

بهشتی، محمدباقر؛ محمدزاده، پرویز؛ و خلیل، قاسملو، (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در بین استان های ایران». فصلنامه پژوهش های برنامه و توسعه، (۱): ۴۵-۱۳.

تشکینی، احمد و شفیعی، افسانه (۱۳۸۴). متغیرهای پولی و مالی آزمون خنثایی پول. فصلنامه پژوهشگاه بازرگانی، ۹ (۳۵): ۱۲۵-۱۵۲.

حسینی نسب، ابراهیم و رضاقلی زاده، مهدیه. (۱۳۸۹). بررسی ریشه های مالی تورم در ایران (با تاکید بر کسری بودجه). فصلنامه پژوهش های اقتصادی، ۱۰ (۱): ۷۰-۴۳.

زروکی، شهریار. یوسفی بارفروشی، آرمان؛ و یاسر، مهری کارنامی، (۱۳۹۹). «اثر شکاف نرخ ارز و نامتقارنی تورم و بیکاری بر نابرابری درآمد در ایران». فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد، ۷ (۱): ۱۴۸-۱۱۷.

سهیلی، کیومرث؛ فتاحی، شهرام؛ و مهناز، سرخوندی، (۱۳۹۳). «بررسی تقارن یا عدم تقارن عملکرد سیاست پولی با استفاده از رگرسیون کوانتایل». فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۳ (۱۱): ۲۱۷-۱۸۷.

شهاب الدینی، حمید (۱۳۹۱). ساختار مالی. فصلنامه تازه های اقتصاد، ۱۳۶.

شقایق شهری، وحید؛ و دولت، وفاداری، (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر فساد اقتصادی بر روی نابرابری درآمدی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب آسیای جنوب غربی)». مطالعات راهبردی توسعه، ۴۹: ۲۵۱-۲۲۷.

دلیل آن وابستگی دولت به درآمدهای نفتی است. همچنین برآورد مدل ها نشان داد که درآمد سرانه اثر منفی و معنادار بر شاخص فلاکت دارد به این نحو که افزایش در درآمد سرانه سبب کاهش در شاخص فلاکت می شود. افزایش شاخص جینی باعث افزایش شاخص فلاکت می شود. هرچه میزان ضریب جینی به صفر نزدیک تر شود میزان نابرابری کمتر می شود. در بررسی های انجام شده بیشترین اثر شاخص فلاکت را متغیر ضریب جینی داشته و بیشترین توضیح دهنده گی خطای پیش بینی را بین می کند. همچنین دو متغیر دیگر درآمد سرانه و رشد اقتصادی نیز بر شاخص فلاکت مؤثر بوده و تأثیر تکانه های این متغیر را به مرور کم شده و تعدیل می گردد و نشان می دهد که مدل پایدار است. هر چقدر اطلاعات دقیق و کامل تر در اختیار محقق قرار گیرد به همان میزان نتایج حاصل، دقیق تر و قابل اعتمادتر خواهد بود و یا به طور کلی تحقیق انجام شده روایی بیشتری خواهد داشت. البته باید توجه داشت که در فرآیند تحقیق علمی، مجموعه شرایط و مواردی وجود دارد که خارج از کنترل محقق می باشد، ولی به طور بالقوه می تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد. در تمام تحقیقاتی که صورت می گیرد، محدودیت ها جزء لاینفک تحقیق هستند و همین محدودیت ها، زمینه را برای تحقیقات آتی فراهم می سازند. این تحقیق نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

یکی از ویژگی های خاص پژوهش های نیمه تجربی در حوزه علوم اقتصادی، تاثیر متغیرها مزاحم بر متغیر وابسته است. امکان کنترل متغیرهای مزاحم تا اندازه ای برای پژوهشگر فراهم نیست. متغیرهایی چون عوامل سیاسی، عوامل درونی و همچنین فرصت های سرمایه گذاری می توانند بر تغییرات کاهش نرخ فلاکت و رشد اقتصادی اثر گذار باشند.

شرایط سیاسی و اقتصادی کشور و جو روانی حاکم بر نرخ ارز، تورم و بیکاری و در کل رشد اقتصادی، از عواملی هستند که ممکن است بر متغیرهای این پژوهش اثر گذارند، اما در پژوهش حاضر کنترل نشده اند.

داده های مستخرج از سایت سازمان برنامه و بودجه، از بابت تورم تعدیل نشده اند. با توجه به متفاوت بودن نرخ تغییرات شاخصهای متغیرهای تحقیق در سال های مورد بررسی، در صورتی که داده های مورد استفاده از این بابت تعدیل می شدند، ممکن بود نتایج، متفاوت از نتایج فعلی باشد

- Mascio, F. D. & Piattoni, S., (2020). "Corruption Control in the Developed World". *Politics and Governance*, No. 8(2), Pp: 72- 77.
- Sadrosky, Perry (2011), "Financial Development and Energy Consumption in Central and Eastern European Frontier Economies", *Energy Policy*, Vol. 39, PP. 999-1006.
- Yan, B. & Wen, B., (2019); "Income inequality, corruption and subjective wellbeing". *Applied Economics*, No. 52(12), Pp: 1311-1326.
- Zhu, Sh.; Yu, Ch. & He, C., (2020). "Export structures, income inequality and urban-rural divide in China". *Applied Geography*, No. 115, Pp: 102150.
- کميجانی، اکبر و قبادی، سارا. (۱۳۹۱). تبیین رابطه میان سیاست پولی-ارزی و بدهی دولت و تاثیر آن‌ها بر تورم رشد اقتصادی در ایران. *مطالعات اقتصاد بین الملل*. ۲۱(۲) ۱-۲۲.
- هاتفی‌مجمرد، مجید؛ ظاهری‌عبده‌وند، عزیز؛ و علی، صادقی، (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر در نابرابری درآمد در ایران با تأکید بر عمق مالی و آموزش». *فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی*، ۱۲(۴۲): ۶۹۵-۷۲۰.
- محمدزاده، یوسف، و یحیی‌دیزج، جعفر. (۱۳۹۶). «تأثیر آزادی اقتصادی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم یافته». *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، ۱۴(۳): ۱۰۳-۷۳.
- مداح مجید (۱۳۹۰)، «بیکاری و بزهکاری در ایران: تحلیل نظری و تجربی»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۲۸۶، ۱۹۷-۱۸۸.
- محنت فر، یوسف. (۱۳۹۲). ارزیابی نرخ تورم و شکاف تولید در ایران، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۱(۳)، ۹۷-۱۱۶.
- Bojanic, A. N. & Collins, L. A., (2019). "Differential effects of decentralization on income inequality: evidence from developed and developing countries". *Empirical Economics*, No. 60(4), Pp: 1969-2004.
- Beja, E. (2014). Measuring economic ill-being: Evidence for the Philippine misery index. Department of Economics, Ateneo de Manila University, Quezon City, Philippines 1108, Mpra Paper.
- Di Tella, R., MacCulloch, R. J. & Oswald, A. (2001). Preferences over inflation and unemployment: Evidence from surveys of happiness. *American Economic Association*, 91(1): 335-341.
- Ezzat, A. M., (2020). "Income Inequality Effects on Real Exchange Rate: Do Differentials Between Tails Matter?". Working Paper, Pp: 1- 36.

The Approach of Economic Schools to the impact of Financial Policies on the Misery index and its Mechanisms in Iran

Arash Khomi¹, Fatemeh Zandi^{2*}, Mohammad Khezri³, Bijan Safavi⁴

1st Ph.D. Student of Islamic Economic Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2nd Department of Economics, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3rd Department of Economics, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4th Department of Economics, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract:

The purpose of this article is the approach of economic schools to the effect of financial policies on the misery index and its mechanisms in Iran. The research method is descriptive-analytical and using the resources of libraries and economic theories and perspectives in the field of financial policies and poverty index. The results showed that among the most important mechanisms affecting the poverty index, we can mention the monetary transfer mechanism, the financial transfer mechanism, and the mechanism of the effect of gross production on the misery index. In the following, it was found that the views of economic schools regarding the effect of financial policies on the misery index include the classical school, the Keynesian school, the monetary school, the new classical school, the school of real business cycles, the new Keynesian school, and the Austrian school. It can be the political and economic conditions of the country and the psychological atmosphere governing the exchange rate, inflation and unemployment and overall economic growth are among the factors that may affect the variables of this research, but they were not controlled in the current research.

Keywords: Economic Schools, Financial Policies, misery Index, Iran